

موضوع تحقیق:

پوشاک مردم حوزه

دریای خزر

فهرست مطالب

لباس سنتی - گیگی

پوشاک زنان

پوشاک مردان

پارچه و کاربرد هایشان

ماخذ:

۱- همو، گیلان در گذرگاه زمان، تهران

۲- آیین ها و باورهای مردم گیل و دیلم پاینده لنگرودی

پوشاک مردم حوزه دریای خزر

لباس سنتی

لباس در گیلان و مازندران در بسیاری جنبه ها، تشابهات ساختاری با لباس دیگر مناطق روستایی ایران دارد. این لباس از لایه های متوالی و اغلب از تکه های مشابه که روی هم قرار می گیرند. مانند دامنهای زنانه یا پیراهنهای مردانه در زمستان تشکیل می گردد. لباسی مطلوب است که بیشترین قابلیت را در پوشانیدن سر بالاتنه و بویژه پشت داشته باشد کودکان جامه خاصی ندارند. ولی پوشاکی مشابه پوشاک بزرگسالان البته در انواع مختلف به تن می کنند. تن پوشهای راسته متشکل از تکه های چهار گوش است با لبه های به هم دوخته شده و تکه های مکمل سه گوش متصل به آن که همراه با تن پوشهای چسبان تکه دوزی شده پوشیده می شود. بیشتر این تن پوشها از مدلهای اروپایی اقتباس شده اند ابتدا، تونیکها، دامنهای چین دار و حرفه های چوپانی پوشیده می شد ولی از اوایل قرن اخیر خفتانها (قبا) با لبه های روی هم آمده و نیز جلیقه ها و نیمتنه هایی به سبک اروپایی، به عنوان لباس روزمره مورد استفاده قرار گرفت. مع ذلک، علاوه بر مشخصات مشترک، لباس سنتی حاشیه خزر بیانگر خلاقیتی است بکر که بخوبی نمایانگر روش متمایز زندگی در این ناحیه کناری از ایران می باشد در بسیاری از جوامع فلات ایران، رفتار فرهنگی مردم تحت تاثیر سبک زندگی محصور شده ای است که در آن خانه ها به منظور محافظت از دید و مزاحمت بیگانگان با دیوارهای بدون مدخل احاطه

می شود زنان تنها و منزوی در اندرونی زندگی می کنند و در حضور یگانگان یا سایر مردان (نامحرم) یا هنگام بیرون رفتن از خانه ، حجاب (چادر) به سر می کنند. اما در نمی

شود تفکیک جنسی در محیط خانوادگی کم است و چادر صرفاً برای سفر به شهرهای بزرگ و مراسم مذهبی، پوشیده می شود. نبود حجاب که حتی در میان گالش ها و طالش

های کوهستانی نسبت به گیلانی ها و مازندرانی های دشت بیشتر به چشم می خورد در تمام دوره ها جهانگردان را غافلگیر کرده است. مثلاً یونس هانوی نوشته: « زنان روستایی

اغلب بدون حجاب در انظار ظاهر می شوند» و کیت ابوت اظهار کرده: « زنان روستایی

در این بخش از کشور صورتهایشان را نمی پوشانند». مورخان جدید منطقه و قوم

شناسان این گزارشها را تأیید می کنند. همانند سبک کلی لباس ترکیبات و روش دوخت

تن پوشهای مردم ناحیه خزر، آنقدر متمایز هست که این مردم را بخوبی بشناساند. مقوله

های قابل ملاحظه در این رابطه عبارت است از: « شال » (نوعی پارچه) جورابهای بسیار

کلفت (جوراب گوراه) کفشهای چرم گاو (چوموش) و چادر شب (تکه پارچه ای

که زنان دور کمرشان می بندند).

« شال » پارچه ای زیر از پشم گوسفند با بافت ساده است (که در آن پود به نوبت

از رو و زیر یک تار واحد می گذرد) که یا روی چرخ ریسندگی افقی با یک میله

تارکش و یا روی چرخ ریسندگی پدالی با دو میله تارکش بافته می شود سپس با شدت

در اب صابون مالش داده شده تا خصوصیات و ظاهر پارچه لدن اروپایی را به خود بگیرد. در میان طالش و گالش قسمتهای اصلی جامه مردان (شلوار، جلیقه، نیمتنه و کلاه) از این پارچه دوخته می شود. « شال» از زمانی که اعضای جنبش انقلابی جنگل که طی سالهای ۱۳۳۳ق. / ۱۹۱۵ م. تا ۱۳۳۹ ق = ۱۳۰۰ ش. / ۱۹۲۱ م. (نک. مدخل کمونیسم) بر منطقه تسلط پیدا کردند و اونیفورمهای دوخته شده با آن را پوشیدند از سوی مردم ولایات خزر، بیشتر مورد قرار گرفت. طبقه عکسها و گزارشهای شاهدان عینی میرزا کوچک خان رهبر جنبش بیشتر اوقات جامه سنتی خزر را که از شال دوخته می شد به تن می کرد در واقع یک تعاونی جنگلی پارچه ها و اونیفورمها را تولید می کرد.

کفشها و جورابهایی که تا همین اواخر مردان گالش و طالش می پوشیدند مختص این ناحیه بود. جورابهایی پشمی و رنگهای ساده یا رنگارنگ با پنج میل بافتنی بافته می شد. بالاخص چوپانان آنها را می پوشیدند. کفشهای سنتی (چوموش، چارخ) متشکل از زیره هایی بود که جنس چرم گاو. این زیره برای پوشانیدن قسمتهای پایینی و پنجه پاها، به بالا برمی گشت (چرم پس از کشیده شدن خشک شدن و نمک سود شدن به شکل پا بریده می شد. لبه های این زیره با ایجاد منافذی سوراخ می شد، که از میان آنها تسمه ای چرمی (شیرری) تو و بیرون رفته و پس از آن محصور کردن پا به بالا برمی گشت. سپس

تسمه چرمی دیگری در جهت عکس از میان سوراخها می گذشت تا به ثابت ماندن زیره چرمی در جای خود کمک کند سرانجام دو طرف لبه ها توسط نوارهای چرمی یا پشمی از روی پا به هم می رسید سبک خاص دیگری از کفش نیز قابل توجه است کتله (یا پا - کتل) لژ چوبی ساده ای بود که با سگکی بین دو انگشت اول پا یا با نواری چرمی بر روی پا بسته می شد. به نظر می رسد که با جورابهای کلفت کفشهای چرمی بدون رویه و پشت باز و کفشهای چوبی خصوصیات هنری مشترکی در مناطق مختلف قفقاز داشته باشند.

مشخص ترین جامه زنان در ناحیه خزر « چادر شب » (نیز به نامهای چارشب و چارشو) می باشد که تکه پارچه ای مستطیلی شکل است که به شکل سه گوش تا می خورد و با جایی در پشت که برای کار روزمره تعیبه می گردد دور کمر گره خورده یا برای حمل نوزاد بر پشت به دور سینه پیچیده می شود. چادر شب در بخش شرقی گیلان از نوار های پارچه ای بافته شده از کرک ابریشم روی ماشین ریسندگی با دو تارکش بافته می شود. این نوع چادر شب با چهار خانه های رنگارنگ مقوله مشخص جامه زنانه قاسم آباد در جلگه شرقی خزر می باشد که به غلط نمونه پوشاک سراسر منطقه پنداشته شده است.

علاوه بر این مقوله های مشخص اینک موارد اصلی پوشاک خزر به ترتیب

قسمتهای بدن که از بالا به پایین پوشیده می شوند معرفی می گردد یعنی سرشانه رانها و

پا

پوشاک زنان

زنان در محیط خانوادگی روسری (سردباد، لاجک، لچک، پیشاسر) سر می کنند

که معمولا فقط بالای سر را می پوشاند. بنابراین صورت گوشها و گردن بدون پوشش

رها می شود که این دلیل بر حداقل تفکیک زنان در میان گروههای اجتماعی ناحیه خزر

می باشد. رنگ روسری و روش آراستن آن با منطقه و سن پوشنده تغییر می کند. در

عمارلو، منطقه دیلمان و جلگه شرقی گیلان پارچه سیاهی که به شکل سه گوش تا می

خورد (۸۵ سانتیمتر طول و ۷۰ سانتیمتر عرض) به روشهای متعددی پوشیده می شود.

این سربند گاهی دور پیشانی پیچیده می شود. و گاهی در پشت گره خورده و امتدادهای

آزادش طره ها گیسهای بافته یا موی گوجه شده روی سر را می پوشاند گاه گیسهای بافته

پیچیده شده و به پشت می افتد در جای دیگر یعنی سرزمینهای کم ارتفاع خزر روسری

که بندرت به رنگ روشن است به صورت سه گوش تا خورده و سپس دور سر در بالای

گوشها پیچیده می شود دو امتدادش از بالای پشت گردن رد شده و معمولا روی سر گره

می خورد و سرش به طور آزاد افتاده یا دور سر پیچیده می شود.

زنان خارج از خانه شالی سفید رنگ (دستمال سفید ، کولدباد، یا یالیخ، در نواحی ترک زبان طالش) و مربعی شکل که می پوشند که به صورت سه گوش تا شده و گره می خورد یا اینکه به سادگی از زیر چانه رد می شود (مثلا وقتی زنان در مزارع ، برنج نشا می کنند) در گیلان شرقی این شال روی لچک پوشیده می شود در حالی که در نواحی ساحلی و در میان مردم طالش شال جای لچک را می گیرد. شیوه هایی که لچک یا دستمال را تزین می کنند نشان دهنده سن مقام و شرایط پوشنده آن است. دختران جوان لچک را بسیار عقب تر روی سر می بندند، تا قسمتی از مویشان معلوم باشد. زنان متأهل و مسن تر، آن را جلوتر بسته و تقریبا تمامی مویشان پوشیده می شود زنان در مناطق خاصی (مخصوصا طالش شمالی) قسمت پایین صورت را با امتدادهای لچک یا دستمال می پوشانند که از زیر چانه رد شده و در امتداد آ» در بالای گوشها به هم گره می خورد برای مراسم عروسی، لچکها با سکه مزین می شود و دستمالهای ریشه دار با نقوش گلدوزی شده ترجیح دارد.

همان گونه که توضیح داده شد زنان چادر را فقط در شرایط استثنایی به سر می کنند. مثلا در زیارتها طی مراسم محرم و صفر و در عروسهایی خودشان طالشی ها مثلثی دارند که می گوید: « زنان ما فقط زمانی چادر سر می کنند که ازدواج کنند و از چانه پدر به خانه شوهر بروند» موقع ازدواج عروس جوان در روبنده ای پیچیده می شود که

چونان ناقوسی به روی صورتش افتاده و کل صورتش را می پوشاند. طبق گفته محمود پابنده لنگروردی عروسهای جوان در کوههای شرقی گیلان از زمان امضای عقد نامه تا رفتن به خانه شوهر، از نواری پارچه ای (یا سماق) که دهان را می پوشاند استفاده می کنند. قطعا کلاه بند دار بچه گانه ای که نوزادان چه دختر و چه پسر تا زمانی که از شیر گرفته شوند به سر می گذارند باید جزو سر پوشها محسوب شود. این کلاه گوشها را می پوشاند و با بندی در زیر چانه محکم می شود.

جزء اصلی لباس زنانه ، تونیک بلندی (پیرهن، طالشی، شی نواحی ترک زبان طالش کونیک) است که آن را از سر می پوشند و تا رانها یا زانوها (در گیلان شرقی و مازندران) و گاهی حتی تا قوزک پاها (در طالش) می رسد. دو چاک در پهلوها باعث گشادی بیشتری در پایین تونیک می گردد. بالاتنه تونیک یقه توری صاف و باریکی با چاک در جلو برای شیر دادن به کودک دارد. این چاک با دگمه ها و جادگمه های تزیین شده با قیطان و روبان یا مشخصا باریک با دسته های باریک و بلندی دارد که در مچها تنگ می شود. در تابستان زنان آستینها را تا آرنج بالا می زنند با وجود این گاهی در سرزمینهای کم ارتفاع ممکن است تن پوش آستین کوتاهی جایگزین تونیک شود ارکان اصلی جامه زنانه معمولا از پارچه چیت دوخته می شود که نقش مایه های گلدار در آنها غالب است رنگهای ساده برای مناسبتهای شاد اولویت دارند. تونیک سفید برای

عروس ، آبی یا قرمز روشن برای زنانی که در عروسی شرکت می کنند و سیاه برای عزاداری استفاده می شود. طرح ویژه ناحیه قاسم آباد قیطان رنگارنگ در قسمت پایین تن پوش می باشد.

معمولا تونیک با دامن پوشیده می شود ولی گاهی پیراهن جای این ترکیب را می گیرد. پیراهن شامل بالاتنه ای است که به دامن چین داری دوخته شده تقریبا کوتاه بوده و همواره روی شلوار پوشیده می شود. این لباس بی شک رد پای است محلی از سبک شهری که در اواخر قرن گذشته توسط ناصرالدین شاه معرفی شد که اقتباسی بود از دامن بالرین هایی که نامبرده در سفرهای اروپایی اش جدید متعاقبا در سراسر کشور پذیرفته شده باشد.

زنان بر روی تونیک یا بالاتنه لباس جلیقه و گاهی نیمتنه راسته جلو بازی که در اصل از لباس مردان اروپایی اقتباس شده است می پوشند انتخاب جلیقه یا نیمتنه در تمایز نسلا از همدیگر کمک کننده است یعنی زنان جوان تمایل بیشتری به پوشیدن جلیقه دارند و زنان مسن تر نیمتنه به تن می کنند جلیقه ای که به طور روزمره پوشیده می شود سیاه است ولی برای مراسم ویژه رنگهای روشن با زیور آلات انتخاب می شود. جلیقه ای که برای مراسم عروسی پوشیده می شود ممکن است با سکه لبه دوزی شود نیمتنه ها به

عنوان پوشش روزمره معمولی تیره رنگ و کدر هستند ولی برای مراسم ویژه از مخمل قرمز استفاده می شود.

همان گونه که قبلاً ذکر شد چادر شب تن پوش محلی مشخصی است و بنا بر سنت چندین نمونه از آن « برای جهاز در نظر گرفته می شود. چادر شب اغلب اوقات به دور بالاتنه در رو یا زیر جلیقه و یا نیمتنه گره می خورد که هم به عنوان محافظ قسمت پایین کمر و هم به عنوان کمر بند تونیک بلند عمل می کند. این نقش به عنوان شال با اسامی به کار رفته برای تن پوشهای کناره های گیلان که همگی شامل کلمه کمر به عنوان جزئی از لباس هستند تائید می شود مثل: کمر شان و کمر دابنزار در طالش جنوبی و امثال آن.

دامن بلند گشا و چین دار است و با تونیک لباس زنانه اصلی گیلان محسوب می شود. این دامن با لیفی که از وسط کمر بندی جهت چین دادن به پارچه کشیده می شود محکم بسته می شود فشردگی چینها مانند درازا و رنگ دامن بیانگر سن و سال پوشنده آن می باشد دختران و زنان جوان نسبت به مادران و مادر برزگهایشان پارچه بسیار بیشتری برای تهیه دامنهایشان به کار می برند. در نتیجه چینها بسیار فشرده جالب و دیدنی می شوند. همچنین طول دامن می تواند بسته به سن تغییر کند که اغلب در میان زنان جوان تا ساق پا رسیده ولی در میان مسن ترها تا انگشتان پا می افتد ولی این رنگ دامن

است که آشکارترین وجه تمایز نسلها محسوب می گردد. پارچه های چیت با زمینه قرمز یا سفید با نقش مایه های متضاد گلدار در رنگهای روشن مورد پسند زنان جوان است و دامنهایی که زنان مسن تر به تن می کنند به طور کلی زمینه تیره داشته و سراسر آن با نقش مایه های کوچک طراحی می گردد.

زنان اغلب دو یا سه دامن یکی روی دیگری می پوشند جدیدترین دامن بر روی دامنهایی که بارها پوشیده شده یا رنگ و رو رفته هستند پوشیده می شود. گاه دامن و زیر دامنی متفاوت هستند. به زیر دامنی « کفلی» می گویند که کوتاهتر است و از پارچه ای

یک تکه با روبانی پرچین به دور قسمت پایینی اش دوخته می شود دامنهایی چند طبقه به این سبک چین قسمت پایینی جامه را چشمگیر و حجیم تر می کند. زنان زیر دامنهایشان شلوارهای چسبان سیاه تا قوزک پا (شلوار) و یا در خانه نوعی پیژامه با پارچه های گشاد به پا می کنند. پارچه شلوارها همچون پارچه بقیه جامه به کیفیت پارچه های قرن نوزدهم میلادی نیست که بر سفورد الوت این کاهش کیفیت را به دهه ۱۸۶۰ م. نسبت می دهد

یعنی زمانی که بحران تولید ابریشم ایران از پخش « پبراین» حاصل شد و واردات انبوه « بافته های ارزان روسیه با طرح و رنگهای زرق و برق دار» بر این بحران دامن زد. سابقا

شلوارهای خانگی از جنس « ابریشم آبی پردوام یا ابریشم پونچو

زنان کشاورز به طور سنتی پا برهنه بودند گیلک هنوز هم به خود می بالد که زنان ما از هنگام تولد تا مرگ نمی دانند کفش چیست امروزه اکثریت زنان کفشهای پلاستیکی قالبی و گالش که در آغاز این قرن از ریگا و سن پترزبورگ به ایران وارد شد می پوشند بنابراین روی هم رفته پوشاک زنان در حوزه شهری خزر با هماهنگی خاصی مشخص می شود که مخصوصا در مورد چادر شب دامن چین دار پارچه گلدار و رنگهای روشن قابل توجه است. تفاوتهای کوچکی در میان مناطق می تواند در مورد برخی جزئیات ذکر شود مثل نوارهای رنگارنگی که به تونیک و دامن جامه قاسم ابادی دوخته می شود لچک سیاهی که در شرق سفید رود پوشیده می شود و مواردی از این قبیل - ولی به اندازه تمایز واضح در نواحی دیگر دنیای کهن (مثلا اروپای مرکزی) نمی باشد. اختلافات سنی از سبک و سیاق لباس معلوم نمی شود بلکه تقریبا در جزئیات (همچون رنگ و بلندی دامن و انبوهی چینها) مشخص می گردد. تفاوتهای اجتماعی عمدتا در کیفیت پارچه های استفاده شده و دفعاتی که تن پوشها عوض می شوند (به طور کلی زنان در ایام نوروز پوشاک جدید می خرند) و میزان پذیرش سبکهای اروپایی متجلی می شود. بنابراین زنان فقیرتر که بندرت از عهده خریدن پوشاک جدید برمی آیند پاسداران ناخرسند سنن قومی محسوب می شوند. سرانجام اینکه هیچ تفاوت اساسی بین البسه زمستانی و تابستانی وجود ندارد. تنها تفاوتها در ترکیب و تعداد لباسهای روی

هم پوشیده شده است مثلاً ممکن است در گرمای زیاد تابستان یک زن در سرزمینهای کم ارتفاع شلوار گشاد احتمالاً به اضافه دامن و تونیک - پوشد و در طول زمستان ترکیبی از شلوارها دامنهای لباسهای پشمی و کت یا جلیقه به تن کند اما زنان تن پوش زمستانی خاصی ندارند. نحوه پوشیدن لباس در ناحیه خزر کاملاً متغیر و قابل تطابق با شرایط است فی المثل زنان دامنهایشان را بالای می زنند و هنگام نشا و جین کردن مزارع برنج آنها را داخل چادر شبهایشان فرو می کنند.

پوشاک مردان

در میان مردان تضاد بین جامه رمه داران کوهستانی و دهقانان سرزمینهای کم ارتفاع بسیار بیشتر از زنان است چوپانان طالش تن پوشهای برش خورده و دوخته شده از « شال » بافته محلی توسط خیاط نزدیکترین دهکده را می پوشند (تصاویر CVIII, CVII) در صورتی که کشاورزان دشتهای گیلان و مازندران لباسهای سبک اروپایی و خریداری شده از بازار را به تن می کنند بنابراین پوشاک درست شده از « شال » برای مشخص کردن گروه قومی و همزمان برای نشان دادن موقعیت در جامعه کوهستانی به کار می رود (تصویر CIX)

تقریباً همانند همه جای ایران از نظر مردم شناسی تنوع وسیعی در سربند مردان وجود دارد فرمهای غالب از اواسط قرن نوزدهم میلادی زمانی که وقایع نویسان مردان

ناحیه خزر را با پوشیدن کلاههای بلند مخروطی یا نیمه مخروطی توصیف کرده اند. به غایت تغییر کرده است چارلز فرانسیس مکنزی یادآور شده است که این کلاهها به شکل « گلدانهای وارونه» بودند و پولاک اشاره کرده که مدلهای سیاه و مخروطی که خاستگاه

تاتار دارد از زمان ظهور قاجارها در ناحیه گسترش یافته است این کلاهها از نمدا یا از لفافی کاغذی با استر چلووار که با پوست گوسفند، پوست بز، یا پارچه نخی پوشیده می شد درست می شدند. دهقانان در زمستان چنین کلاههایی به سر می گذاشتند ولی در تابستان فقط از یک عرقچین ساده استفاده می کردند بلندی کلاهها در طول قرن رفته

رفته کاهش یافت و سبک مخروطی بتدریج با نوع استوانه ای و بلند از جنس نمدا و تاجی گرد بر آن جایگزین شد. پس از جنگ جهانی اول کلاههای بلند به کلاههای استوانه ای شکل کوتاهتر و مخصوصا به عرقچینهای تنگ و چسبانی بود مبدل گشتند (تصاویر cix cvll) کلاه نوع دوم در شرق سفید رود رایج بود. دهکده ای به نام شوک در اشکورات در تولید این کلاه زبانزد است. پیشه وران با استفاده از قالبهای چوبی و به طولهای

مختلف نمدا را سخت تحت فشار قرار داده به آن شکل می دهند.

در میان تن پوشهایی که سر را می پوشاند شال گردنها و شنلهای (با شلخ) از جنس « شال» که چوپانان و هیزم شکنهای مسن تر در طول فصل سرما به دور خود می پیچند توضیح داده می شود آنها کلاه گوشها را دور سرشان پیچیده و کلاه شنلهایشان را

روی آن می کشند در نتیجه سبک پوشش سر، نشانه خوبی برای موفقیت اجتماعی در میان مردان می باشد. رمه داران کوهستانی و دهقانان سرزمینهای کم ارتفاع عرقچین، ساکنان جنگلی فقیر و مسن تر کلاه گوش و شغل از جنس « شال » کشاورزان متمدول دشت و اجتماع طبقه متوسط شهرها کلاه لبه دار و تاجران بازار کلاه شاپور به سر می گذارند ... و قس علی ذلک

در نیمه دوم قرن نوزدهم میلادی پیراهنهایی به سبک اروپایی تولید شد و شهرت آنها پیوسته طی دهه های اول قرن بیستم میلادی افزایش یافت. پیش از آن مردان تونیکهای کوتاه از جنس ابریشم خام یا پارچه نخی و آبی رنگ (رنگ ویژه لباس سنتی مردان) که تا ناف می رسید می پوشیدند پارچه هایی که برای دوختن این تونیکها استفاده می شد در خانه بافته می شد مردان بسته به آب و هوا روی تونیک یک جلیقه (جلیقه جلزقه) یا نیمتنه ای خاص یا قبا که تن پوشی است آستین بلند با دوخت راسته می پوشیدند. که قبا را یا باز می گذاشتند یا گریبان آن تا اندازه ای روی هم آمده در کمر به دامنی موج و تا زانو می چسبید. بازرگانان صنعتگران و ساکنین شهرها عمدتاً قبا می پوشیدند در حالی که رمه داران کوهستانی الخالقی از جنس « شال » یا نمده که لبه هایش در شلوارها فرو می رفت به تن می کردند کت سبک اروپایی که به طور کلی جای قبا و الخالق را گرفت هنوز هم در میان طالش و گالش از « شال » سیاه دوخته می شود در

طالش جنوبی همواره به آن شوکا می گویند. جلیقه ها هم اگر چه کوتاهتر و چسبانتر از سابق است هنوز با پارچه سنتی «شال» دوخته می شود. چوپانان روی این تن پوشها شنل گشاد بی استین یا آستین حلقه ای می پوشند این شنل از یک تخته تاشده نمد ساده درست می شود که در جلو باز بوده و امتداد لبه های بالایی به هم بند می شوند. بندها در دو گوشه روی شانها گره خورده و سفک کشید می شود که تا حدودی به شنل شکل مدور می دهد رایج ترین نوع به رنگ طبیعی و تا زانو می باشد سبک کوتاهتر به نام کلک نیز در کوهستانهای مازندران یافت می شود این شنل که پوشش موثری در برابر سرما است. معمولاً دارای شخصی نیست و گفته می شود که به «خلق الله تعلق دارد» یعنی چوپانان به نوبت آن پوشیده و وقتی برای خوابیدن دراز می کشند خود را در آن می پیچند.

توصیفهای مسافران از قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم میلادی شامل وصف دو نوع شلوار است. یکی از دهقانان سرزمینهای کم ارتفاع در تابستان می پوشیدند و از نخ آبی روشن و صرفاً در زمستان پوشیده می شد، از پشم زبر یا در مازنداران از پنبه دوخته می شد. این شلوار تا قوزکها می رسید و شبانان کوهستانی آن را در تمام طول سال می پوشیدند از زمانی که شلوارهای سبک اروپایی و یک شکل جای انواع سنتی شلوار را در

شهرها اماکن روستایی و قریه های کوهستانی گرفت تنها چوپانان طالش و گالش هستند که همچنان شلوارهای سنتی را می پوشند.

پیژامه بخش اصلی لباس مردانه است که به عنوان لباس زیر در زمستان پوشیده می شود و در طول سال لباس استاندارد خانه برای استراحت و آرامش می باشد. دادن پیژامه به غریبه ای که با لباس بیرون از راه می رسد هنوز هم نوعی مهمان نوازی از سوی مردم منطقه محسوب می شود.

سابقا شلوارها و گاهی تن پوشهای رویی با کمربندی به کمر بسته می شد که به تشخیص موقعیت اجتماعی فرد کمک می کرد. طالشی کمربندی چرمی می بست که از «آ» قمه ای آویزان بود. در سرزمینهای پست « خدمتکاران کمربندهایی از پلاکها مردم عادی شای از چیت موصلی و ثروتمندان شالهایی از کشمیر که گاه بسیار ارزشمند بود می بستند هنوز هم دو قشر شالهای پارچه ای می پوشند برخی از سیدها (که خود را از نسل محمد (ص) می دانند) شال پارچه ای سبز می بندند . در واقع سبز رنگ منسوب به پیامبر و اهل بیتش است. از طرفی گاهی دهقانان برای محافظت قسمت پایینی کمر خود از سرما شال پشمی بافته شده ای که حدود ۲۰ سانتیمتر پهنا دارد می بندند.

ساق پیچها - یعنی نوارهای پارچه ای که روی شلوار تا زانوها پیچیده می شود ترکیب مشخص جامه مردانه سنتی از خراشیدگی با بوته های خاردار بسته می شد. از

طرفی این ساق پیچها نمادی بود از عضویت در سازمان چریکهای جنگلی کاپیتان نوئل که توسط جنگلی ها در سال ۱۳۳۶ ق. / ۱۹۱۸ م. اسیر شده بود - حین تلاش با خارها پاره شود و پاهایم به گوشتی خون آلود تبدیل شود راه کمی را رفته بودم با آنکه «پاتوه» دیگر وجود ندارد اما حفاظت از پاها به عهده جورابهای ضخیمی است که روی شلوار تا وسط ساق پاکشیده شده یا آنکه داخل آنها می شود در مثالی قبلی بندهای چرمی کفش به دور جورابها، به منظور نگه داشتن آنها در جایشان پیچیده می شود. در مورد دوم قسمت‌های پایین شلوار با دگمه ها و مادگیهایش یا اخیرا یا زیپ بسته می شود تا دور جورابها محکم بچسبد امروزه پوتینهای پلاستیکی به طور رایج توسط روستاییان طالش و گالش و همچنین دهقانان سرزمینهای پست هنگام کار در مزارع برنج که سابقا پابرهنه در آن کار می کردند - پوشیده می شود.

سرانجام آنکه، دستکشهای پشمی بافتنی (دستکش) به رغم شهرتشان حتی در سردترین شرایط بندرت پوشیده می شوند. چوپانان دستهای لختشان را زیر شنلها یا دوش اندازهای کلاه دار خود پنهان می کنند.

به استثنای تن پوشهای اخیر که بخصوص جهت فصول سرد طراحی شده هیچ گونه تفاوت ساختاری بین البسه تابستانی و زمستانی وجود ندارد. تفاوتها بیشتر در کیفیت و کمیت تن پوشهای متعدد است تا در سبک دوختشان مردان در تابستان وقتی به بازار یا

قهوه خانه می روند شلواری از پارچه نازک، پیراهن، و گاهی کت، به تن می کنند. در زمستان آنها چندین تن پوش اضافی می پوشند مثل پیژامه شلواری از پارچه کلفت زیر پیراهنی دو یا سه پیراهن، جلیقه و ژاکت به تغییر لباس در جشن یا مراسم مهم اجتماعی (مانند نوروز، سیزده به در، عید قربانف، عروسی، کوچ به سوی چراگاههای تابستانی) در قیاس با زنان کمتر توجه می شود. مردها برای این موقعیتها - حتی دامادها در مراسم عروسی شان - همان شکل پوشاکی را که هر روز می پوشند، به تن می کنند هر چند که این لباس نو بوده و کمتر آن را پوشیده اند مردان فقط یک جامه برای مناسک مذهبی دارند و آن همان است که در سراسر ایران در دسته های بزرگ عزاداری محرم و صفر پوشیده می شود. این جامه هم برای پسران جوان و هم مردان پیراهنی است سیاه با دو چاک بزرگ در پشت تا ضمن زدن خود با زنجیر به پوست لختشان آسیب برسد.

پارچه و کاربرد هایشان

اختلافات کلی در پوشش ناحیه خزر، مشخصه های ویژه و تفاوت های فرهنگی را آشکار می سازد. پارچه هایی که این لباسها با آنها دوخته می شود دلالت بر تنوع منسوجات موجود و نفوذ ناموزون پارچه های صنعتی در بخشهای مختلف ناحیه دارد. پشم هنوز برای دوخت خانگی در مناطق روستایی و کوهپایه ای کاربرد عمومی دارد. تقریباً پنبه در مازندران برای تهیه لباس از رده خارج شده است. در نواحی تولید ابریشم)

مخصوصاً گیلان شرقی) کرک حاصل از پيله های خراب برای دوختن چادر شب به کار می رود. کاربرد منسوجات صنعتی که از نیمه دوم قرن نوزدهم میلادی بسرعت گسترش یافت در سراسر سرزمینهای پست مرسوم است ولی استفاده از این منسوجات در کوهستانها که مردم در انتخاب پوشاک مانند بسیاری از جنبه های دیگر فرهنگی محافظه کارترند. محدودتر است. علاوه بر تضادهای عمده بین سرزمینهای پست و کوهستانها تفاوتهای برجسته بسیاری بین شرق و غرب منطقه وجود دارد. مثلاً انواع لچکهایی که زنان می پوشند. به طور قابل توجهی از نظر رنگ و کاربرد در دو سوی سفید رود متفاوت است و چادر شب در مناطق شرقی دورتر که به سمت مازندران می رود بسیار کمتر پوشیده می شود این تفاوتهای جزئی مشخصات اصلی پوشاک ناحیه خزر را مبهم نمی سازد. ساختار ساده و تزیینات اندک و کاربری آسان لباسها نشان دادن موقعیت شغلی و اجتماعی افراد با انواع متنوع لباسهایشان عدم مرزبندیهای عرف شده از لحاظ سنی و جنسی انعطاف پذیری در لباس روزانه به جای ضوابط خشک و دست و پاگیر و نیز تضاد بین رنگهای روشن پوشاک زنان با رنگهای تیره و ساده پوشاک مردان در کنار تمایل کمتر زنان به پوشانیدن صورت خویش نسبت به هر جای دیگری از کشور همه و همه انفکاک کمتر جنسی در محیط و نیز سبک آزادانه زندگی در این حاشیه شمالی از ایران را اثبات می کند.